



مزون نوزا

در خدمت همشهریان عزیز

دوخت فرم مدارس متوسطه اول و دوم
شامل مانتو، شلوار ، مقننه و انواع شومیز
سفارش همه روزه از ساعت ۹ الی ۱۴- میر مجیدی

۰۹۳۹۳۰۱۶۱۷۲ - ۰۱۷۳۲۲۲۴۸۰۲
nozhaa_collection

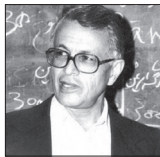
یادداشت اول

چشم انداز سال نو

■ با مسوولیت سر دبیر

سال نو را به امید روزهایی بهتر و پربارتر از دانایی و خیر و برکت برای همه مردم ایران در حالی آغاز می کنیم که سالی که گذشت برای ما مملو از اضطراب و فراز و نشیب بود. سقوط بالگرد رییس جمهوری، انتخابات ریاست جمهوری، استمرار جنگ غزه و تبعات آن برای ایران ما، انتخاب ترامپ در آمریکا و... سرعت حوادث را به گونه ای شتاب داده بود که فرصتی به مخاطبان برای تأمل نمی داد در گلستان هم انتخاب استاندار و انتخاب مدیران جدید و دخالت نمایندگان و ناتوانی تیم اجرایی در تصابات و درگیری های سیاسی و نزاعهای حاشیه ای آن که تا به اکنون نیز ادامه دار شده است فضای سیاسی را به هم ریخت. اما اینک ۱۴۰۴ است و سال نوبی آغاز شده است و باید با آگاهی و برنامه ریزی دقیق به آن وارد شد، باید بدانیم میراث دار کدام فرهنگ و ملتیم و مبتنی بر آن به رفتارهایمان ببیندیشیم. باید در همه بخش های زندگی اجتماعی دارای برنامه و تدبیر بود. آنچه که امروز ما میراث دار آن در گلستان شده ایم، نتیجه هر سیاست نادرستی که بوده است برای ما نابودی منابع آبی و خاکی و محیط زیست را به همراه داشته است و استمرار آن سیاستها نتایجی مشابه را به بار خواهد آورد و زیست بوم گلستان را در خطر ماندگاری قرار داده است. سیاستهایی مانند خودکفایی گندم و فقدان الگوی کشت مناسب به همراه کشت شالی و استحصال منابع زیر زمینی آب، در سرزمینی که بیش از نیمی از شهروندان آن در روستاها زندگی می کنند و به ناچار باید از کشاورزی امرارمعاش نمایند تأثیرات مخربی را بر خاک و آب گلستان گذاشته است. در بخش فرهنگ و هنر نیز با ضعف برنامه ریزی های کلان و ناتوانی مدیران فرهنگی در گلستان دچار نوعی بی برنامهگی در توسعه فرهنگی بوده و هستیم بی سامانی رسانه ها، فقدان تولید فرهنگی و ناتوانی آنها، نمودی آشکار بر فضای عمومی گلستان داشته است، در کنار اینها سیاست در گلستان نیز دچار روزمره گی است و همه این بی سامانی ها را می توان در اجتماع و سبک زندگی عمومی شهروندان ملاحظه کرد. تصور اینکه حکمرانی تنها در اقتصاد خلاصه می شود یک اندیشه خام است، اقتصاد و سرمایه گذاری اقتصادی محصول یک حکمرانی امن و پایدار است و نمی توان بدون اصلاح فرایندها و روش ها به آن دست یافت.

مهرداد بهار و فروزه های یک معلم
زبان های باستانی



۲

سونن جادویی اعظم؛
پارچه هایی که قصه می گویند



۳

تالاب های گلستان گوهرهای آبی
در انتظار بیداری



۴



تاکیداستاندار
بر توسعه صنعتی گلستان
» «



نیروگاه سیکل ترکیبی علی آبادکتول؛
معادله ای برای پیشرفت و قدرت
» «



پادشاهی سرعت در گنبدکاووس؛
اسب های بوتر کورس بهاره معرفی شدند
» «

خستگی ناپذیران نوروز



راه را به اشتباه نروند و یا کادر پرواز و خلبانان و مهماندارانی که در لحظات سال نو در پروازند و یا راهداران در مناطق کوهستانی و صعب العبور و ... چه بسیار مشاغلی که تعطیلی ما آغاز تلاش آنهاست. نانوائی هایی که گویا هیچگاه حق استراحت ندارند و باید خدمت خود را عرضه کنند، رفتگران، تلاشگر، داروخانه ها، مجریان صدا و سیما، مرزداران و یگان های مرزی و دهها شغل سخت و سنگین که در هنگامه آرامش ما آنها مراقب خواب و بیداری همگان هستند تا شهروندان آسایش بیشتری را تجربه نمایند. این شغل های شریف و این مردمان بزرگواری که وقت و آرامش ما را به آسایش خود مقدم می دارند شایسته احترام و قدردانی بیشتری هستند و این نوشته پاسداشت تمام خدمتگزاران صادق ایران زمین و این عزیزان است. امید که سال نو سال بهتری برای همگان باشد.

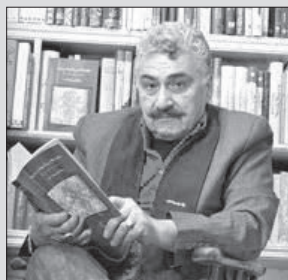
نشانی گرفتار خاموش کردن آن آتش تا به هنگامند و یا در تمام معابر و مسیرها افسران و سربازانی مراقب عبور و مرورند تا به شهروندان آسیبی نرسد یا گروههایی از هلال احمر و گردشگری مشغول راهنمایی مسافران هستند تا

مامایان و پزشکانی باید برای به دنیا آوردنش تلاش کنند و یا شاید بیمار مبتلایی، نیازمند تزریق بوده است تا پرستار کشیک تزریقش را انجام دهد و یا در گوشه دیگر شهر شمع رومیزی منزلی آتشی را برافروخته است و آتش

نوروز کجاشد

سید حسین میر کاظمی

به عالم وای در من ست
وای! از این بازمانده روزها
پیه سوز عید هم.
وای گل همیشه بهار!
عبوس از آن بهار



جعبه شیرینی نه خالی

جوری پُر

خانه ام در همین حوالی است

وای !مانده تحویل سال



از این بهار

وای کوچه و خیابان

بازار و پاساژ

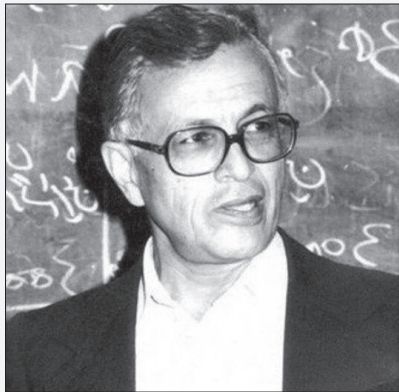
تراکش نا موفق و

پیشخوان به پیشخوان بازارچه ی گذر

نعلندان

میوه، ماهی، سبزه ، سمنو و

سیب سرخ گاز زده هفت سین



ریشه‌یابی گرایش‌های اسطوره‌شناسی خود، روند پیوستگی‌ها و گسستگی‌ها با ایران و حزب توده را به روشنی بازگفته است. در حزب، همه‌ی سخن بر سر این بود که «کجای تاریخ روسیه‌ایم، کی می‌رسیم به انقلاب اکتبر. یک‌بار بحث این نبود که ما کجای تاریخ خودمان هستیم» (گلشیری، ص ۱۱)، انگیزه‌ای نمی‌دادند تا کسی برای نمونه تاریخ مشروطه بخواند. پس نمی‌توانست از آن‌جا به اسطوره‌شناسی راه برد. دانش‌کده‌ی ادبیات هم چیزی به او نداد، «چیزی (به ما) نیاموخت»، اما، پور سرانده‌ی دماوند (ای دیو سپید پای در بند)، در آن‌جا، «عشق» پورداوود را لمس می‌کند، «و آن عشقی که به ایران کهن می‌ورزید ... منتقل می‌شد، ... به من منتقل می‌شد» (ص ۱۲). با دید اجتماعی برآمده از آموزش‌های حزبی، به دنبال چگونگی پدید آمدن شاه‌نامه و حماسه‌ی ملی رفت. حتی به آن‌جا رسید که چرایی دگرگونی‌های فرهنگی را گسترده‌تر از آن ببیند که با یک بررسی اقتصادی بتوان به آن پاسخ داد (ص ۱۴). نگاهی که آشکارا، چرخش از دیدگاه‌های حزبی و روش‌شناسی مارکسیستی بود. معلم ناگاه می‌گوید بهار هیچ‌گاه نتوانست از چنگال فکر حزب رها شود، اما خود بهار می‌گوید در پی نپذیرفتن دستورات حزبی او را از آن‌جا بیرون کردند (حق‌شناس و دیگران، ص ۱۸). کلام آموزه‌ی حزبی می‌توانست در اندیشه‌ی اسطوره‌شناسی بهار چنان رخنه کند که یارای رهایی از چنگ آن را نداشته باشد؟

فرهنگ ایرانی در میان‌رودان

جست‌وجوی خاستگاه‌های اساطیری از دید بهار، پانزهری بود در برابر انگاره‌ی پوچ نژاد برتر، «یک فرهنگ قلابی تبلیغ می‌شد ... که ما اروپایی و از نژاد آریایی هستیم. ... این‌ها همان زمان، خیلی واکنش‌های بدی در زندگی من به جا گذاشت» (ص ۲۷). در نگاه او، تنها راه نشان دادن تهی بودن این برداشت، آن بود که «شما فرهنگ قدیم آسیای غربی را از حدود سند تا ملیترا نه بشناسید» (ص ۲۸). بهار هنگامی به این نگرش و روش‌شناسی رسید که از حزب و اندیشه‌ی حزبی گسسته بود.

پژوهشگر زبان و ادب فارسی

زبان‌های باستانی و درگیر با فرهنگ‌نویسی، اگر نشانه‌ی ناکارآمدی ساختارهای آموزشی نباشد، نشانه‌ی چیست؟

در چنگال فکر حزب

نویسنده سپس بهار را گرفتار در «چنگال فکر حزب توده» می‌خواند، گویی پژوهش بهار برآمده از فکر حزب بوده است. فکر حزب توده چه بود؟ ایده‌نولوژی مارکسیسم، یا دریافت بومی شده از آن؟ بستن بند اسطوره‌شناسی بهار، چیزی جز نشانه‌ی ناآگاهی نیست. بهار یادآوری کرد (از اسطوره، ص ۳۴) که مری بوس، ریشه‌های نوروز را در میان‌رودان جست‌وجو کرده است (A history of p. ۳۴)، آیا او هم گرفتار فکر حزب بود؟ روشن است بی‌جست‌وجو در پاره‌های اندیشه‌ی اسطوره‌شناسی بهار، نمی‌توان یافته‌های او را پی‌روایده‌های حزبی خواند. گذشته از آن که این شیوه‌ی نوشتن در خور جای معلم دانش‌کده‌ی نیست؛ می‌دانیم بازایی هر پیوندی میان کار پژوهشی و ایده‌نولوژی، بن‌یادی‌تر از آن است که بتوان با انگ و پرخاش از پس آن برآمد. در این‌جا با دریافتی نارسا از پدیده‌ی برآمدگی پژوهش در راستاهای ایده‌نولوژیک رویه‌رو می‌شویم. گویی نویسنده شنیده است که حزب توده، جهان‌میهنی بود، ایران را برای ایران نمی‌خواست، و ... این آموزه‌ها چگونه می‌توانست اسطوره‌شناس برجسته را به راهی بَرک که خاستگاهِ مَرده‌ریگ باستانی ایران را در «عراق سه هزار سال قبل» بگوید؟ آیا این کار زمینه‌ی پیمان سنتو (ایران، عراق، ترکیه و ...)، رویاروی کمونیسم نبود؟ و گرنه، چرا نمی‌بایست مَرده‌ریگ کهن را جای دیگری جست‌وجو کند؟ اندیشه‌ی جهان‌میهنی، فراتر از باورهای سوسیالیسم و مارکسیسم بود. بسیاری از اندیش‌مندان به آن گرایش داشتند؛ اما بهار در اسطوره‌شناسی به این راه نرفت. حزبی‌خواندن این اندیشه، و پژوهش‌های بهار را سرچشمه گرفته از آن و برآمده از فکر حزبی دانستن، نشانه‌ی ناآشنایی با روش‌شناسی کار او است. بهار اگر چنان وابسته‌ی حزب بود که نویسنده دریافت است، می‌بایست سازنده‌ی روش‌های فرهنگی حزب باشد، نه پی‌رو ساده‌دل آن. شاید معلم دانش‌کده نداند حزب توده در سالیان پرپار پژوهشی بهار، از تَر راه رشد غیر سرمایه‌داری پی‌روی می‌کرد، و چنین می‌پناشت که ایران از پی بستن پیمان‌نامه‌های بزرگ اقتصادی با اتحاد شوروی در این راه گام برمی‌دارد. آنان ایران و کشورهای دیگر را یکی سیاسی-اقتصادی در پیوند راه‌بردی با شوروی می‌خواستند، نه یکی شونده با آن کشور یا با عراق. روش حزب، بازیافتن مَرده‌ریگ باستانی ایران در عراق نبود؛ انگ زدن برای از میدان به در کردن کسانی بود که نمی‌توانستند کارنامه‌ی آنان را در یک رویارویی دانش‌ورانه به چالش بکشند.

مهر ایران و رگه‌های واگرایی از حزب

مهراد بهار در دو گفت‌وگو با هوشنگ گلشیری و علی محمد حق‌شناس (به هم‌راه دیگران)، در پی

راه و روش و جای‌گاه دانش‌ورانی چون بهار و تفضلی، فرسنگ‌ها دوراند. رسیدن اینان به جای آنان، برآمد فرآیندهایی است که نگویند یخ‌تانه به ناکارآمدی ساختار آموزشی در دانش‌کده‌ی ادبیات انجامیده است. چنان که نصرالله پورجوادی در شب دانش‌کده به گوشه‌هایی از آن پرداخته است. نصرالله پورجوادی هم‌چنین نگاه را به گسست فرهنگ از زبان‌های باستانی برگرداند و پی‌آمدهای آن را برجسته کرد. اکنون سخنان سیلاحمدرضا قائم‌مقامی که خود برآیند هم‌این گسست فرهنگ از زبان‌های باستانی است، و یادآوری پورجوادی را «مزورانه» می‌خواند، چونان گواهی بر هم‌این گسستگی است.

انگ و پرخاش به جای سنجش و داوری

قائم‌مقامی در پاره‌ای از یک یادداشت تلگرافی به شتاب‌زدگی نوشته است: «فان استاد سلیم‌دل که هیچ‌گاه نتوانست از چنگال فکر حزب توده رها شود منت‌های هنرش این بود که همه موارث این مملکت، و از جمله نوروز، را در عراق سه هزار سال قبل بگوید». این سخنان پرخاش‌گونه به کارنامه‌ی درخشان پژوهشی اسطوره‌شناس برجسته، مهرداد بهار برمی‌گردد، و می‌خواهد (به گمان نویسنده) همه‌ی آن‌ها را یک‌جا و سراسر پنهان درهم بپیچد. نویسنده، مهرداد بهار را «سلیم‌دل»، گرفتار در «چنگال فکر حزب توده»، و سرریز کننده‌ی مَرده‌ریگ باستانی به سوی «عراق سه هزار سال قبل» می‌خواند. برکنار از درستی یا نادرستی سخن بهار درباره‌ی نوروز؛ در این‌جا نشانه‌هایی در خور درنگ است که ناآگاهی یک معلم زبان‌های باستانی را از «فرهنگ» روزگار باستان و دانش، منش و روش استادان پیشین بازمی‌نمایاند.

سلیم‌دل کیست؟

قائم‌مقامی می‌بی‌پروایی بهار را «سلیم‌دل» می‌خواند. اگر نویسنده‌ای، کسی را ناآگاهانه «سلیم‌دل» بخواند، گناهی بار او نیست. اما این‌جا، به کسی رویه‌روایم که خود را دانش‌آموخته‌ی کارشناسی زبان فارسی می‌شناساند، معلم زبان‌های باستانی در دانش‌کده‌ی ادبیات است، از واژه‌شناسی و فرهنگ‌نویسی دم می‌زند، و به بهانه‌های گوناگون درباره‌ی تاریخ زبان فارسی و گونه‌شناسی زبان فارسی سخن می‌گوید. سلیم‌دل در لغت‌نامه‌ی دهخدا، سلیم‌القلب یا «ساده‌لوح» و در فرهنگ سخن، «ساده‌دل، خوش‌قلب، زودباور» معنی شده است. غزالی نوشته است: «او هر که شوخ‌گن جامه‌تر بودی، که ... و کدام احمق بود احمق‌تر از آن که بر زیر استاد دکان گیرد؟ این سلیم‌دلان چون شرع پیغمبر ببرزند و سیرت وی را خلاف کنند، چه ابله‌ی بود بیش از این؟» (ک. سعادت، ص ۳۰۵). بی‌هقی نیز، آن را هم‌پایه‌ی ابله به کار برده است: «چون من بنده بود ابله و با قلب سلیم» (لغت‌نامه سلیم، قلب سلیم). نمی‌گویم بی‌برو برگرد نویسنده با گستاخی، مهرداد بهار را چنین خوانده است؛ اما چنان‌چه به باور خود، این کاربرد را از روی دل‌سوزی! هم نوشته باشد این انداز سادگی و ناآگاهی یک معلم

«

مهرداد بهار و فروزه‌های یک معلم زبان‌های باستانی

هادی راشد

در رده‌ای از یادداشت‌های «در پویه‌ی زبان فارسی»، کوشیده‌ام دریچه‌ای به جست‌وجو درباره‌ی روند پدیدآمدن سه گستره‌ی آفرینش ادبی، آموزش و پژوهش تاریخ، ادبیات و فرهنگ زبان فارسی در سده‌ی گذشته باز کنم. این جست‌وجو بر شالوده‌ی نگرش اجتماعی به فرهنگ و زبان در پی بازنمایی شیوه‌ی جایابی کنش‌گران و چرایی پدید آمدن ستیزه‌ها و ناکارآمدی‌ها در گستره‌های سه‌گانه است. از این رو، برخوردها در این گستره‌ها از گذشته‌های دور تا امروز، درون‌مایه‌ی درنگ و بررسی است.

شکاف گستره‌ها

ستیز تکاپوگران در این گستره‌ها، هرچند به بهانه‌ی سنجش این یا آن درون‌مایه پیش می‌آید، هر گاه به نارواگویی و دشنام برسد، دیگر ستیز دانش‌ورانه نیست. از دید تاریخی، برخوردها با نیمه، قریب، بهار، قزوینی و ... در گستره‌های آفرینش و پژوهش ادبی از سوی معلمان دانش‌کده‌ای، رگه‌های آغازین ناسپاسی و ستیزه‌جویی را آشکار می‌کند. آرام آرام، آن رگه‌ها به رگ‌باری از

ستیزه‌جویی و پرخاش گرایید. تاریخ‌چه‌ی دانش‌کده‌ی ادبیات، پر از ستیزه‌جویی‌ها و پرخاش‌گری‌های معلمان، آموزگاران و استادان به‌نام و میان‌مایه است که در روند جایابی از روی جوانی و خامی، سخن را به دشنام آلوده‌اند. با این دگرسانی که در گذشته اگر فروزان‌فر، راه ناسپاسی در برابر قزوینی پیش گرفته بود، خود را هم‌تای قزوینی می‌پنداشت، و شاگردان او هم، مانند زین‌کوب و شفیع‌ی کلکنی هنوز بر این هم‌تایی انگشت می‌کوبند؛ اما امروز کسانی راه ستیزه‌جویی و پرخاش را برگزیده‌اند که نه تنها بیم هم‌تایی آنان با استادان نام‌آور نمی‌رود، از

دُرنا مهمان نوروزی گنبدکاوس



کشیده و تا حدی شبیه به لک‌لک سفید است که تالاب‌ها، علفزارهای باتلاقی، زمین‌های کشاورزی، زمین‌های باز اطراف دریاچه‌ها و مرداب‌ها، دشت‌های سیلابی، خلیج‌های کم‌عمق دارای پناه، زیستگاه مناسبی برای این پرنده محسوب می‌شود. رییس اداره حفاظت محیط زیست گنبدکاوس در پایان سخنان خود همچنین گفت: به احتمال زیاد این دسته دُرنا‌ی خاکستری که در مسیر برگشت از مناطق گرمسیر جنوبی به زادگاه خود (سیرری) است، چند هفته‌ای را برای استراحت و تجدید قوا در زیستگاه‌های تالابی و مرتعی گنبدکاوس باقی خواهد ماند.

رییس اداره حفاظت محیط زیست گنبدکاوس از مشاهده یک دسته «دُرنا‌ی خاکستری» از پرنده‌گان مهاجر منطقه سیرری و از گونه‌های حفاظت شده در زیستگاه‌های تالابی و مرتعی این شهرستان مرزی خبر داد. به گزارش روابط عمومی، احمد احمدی افزود: ماموران حفاظت محیط زیست گنبدکاوس این گونه پرنده مهاجر را که از چند روز پیش در زیستگاه‌های تالابی و مرتعی این شهرستان وارد شده بودند، مشاهده و موفق به تصویربرداری از آنها شدند. وی اضافه کرد: دُرنا‌ی خاکستری یا معمولی پرنده‌ای با جثه درشت، منقار نوک تیز، گردن و پاهای



جابجایی سرمایه انسانی



معمی پرتوی

مهاجرت، به‌عنوان یک پدیده چندوجهی، در چارچوب نظریه‌های جامعه‌شناسی و اقتصاد توسعه با مفاهیمی چون «فرار مغزها» (Brain Drain)، «گردش مغزها» (Brain Circulation) و «شبه‌فرار مغزها»

(Quasi-Brain Drain) مورد مطالعه قرار گرفته است. در این میان، سرمایه اجتماعی نخبگان محلی، که به شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد میان افراد متخصص در یک جامعه محلی اشاره دارد، نقش کلیدی در توسعه منطقه‌ای ایفا می‌کند. تربیت یک نخبه، فرآیندی هزینه‌بر است که شامل سرمایه‌گذاری‌های مالی، آموزشی و اجتماعی از سوی خانواده‌ها، نهادها و دولت می‌شود؛ هزینه‌ای که به گفته بانک جهانی (World Bank, ۲۰۱۹)، در کشورهای در حال توسعه می‌تواند به ده‌ها هزار دلار برای هر فرد برسد. با این حال، در ایران، جابجایی این سرمایه انسانی نه تنها در سطح بین‌المللی، بلکه به‌صورت داخلی از روستاها به شهرها، از شهرهای کوچک به کلان‌شهرها و از استان‌های کم‌برخوردار به پایتخت یا مناطق توسعه‌یافته‌تر، به یک الگوی غالب تبدیل شده است. این مهاجرت‌ها ریشه در نابرابری‌های ساختاری و تمرکزگرایی بیش‌از حد دارد و پیامدهایی گسترده بر جوامع مبدأ و مقصد به‌جامی‌گذارد. مهاجرت داخلی در ایران، به‌ویژه از مناطق روستایی و شهرهای کوچک به مراکز شهری بزرگ‌تر، به‌عنوان یک شکل از «شبه‌فرار مغزها» قابل تحلیل است. بر اساس مطالعات، نبود زیرساخت‌های آموزشی و شغلی در مناطق محروم، افراد تحصیل‌کرده را به ترک زادگاه خود وامی‌دارد (UNESCO, ۲۰۲۰). این جابجایی‌ها، کاهش سرمایه انسانی در مبدأ را به دنبال دارد و در مقصد، پدیده «ازدحام نخبگان» (Elite Overcrowding) را ایجاد می‌کند که در آن رقابت شدید برای فرصت‌های محدود، به اتلاف مهارت‌ها یا «اتلاف مغزها» (Brain Waste) منجر می‌شود (OECD, ۲۰۱۸). این پویایی، توسعه متوازن را مختل کرده و نابرابری‌های

منطقه‌ای را تشدید می‌کند، به‌طوری که مناطق محروم به‌تدریج از ظرفیت‌های نوآورانه خود محروم می‌شوند. یکی از عوامل کمتر بررسی‌شده در این زمینه، تأثیر ساختارهای قومی و قبیله‌ای بر جابجایی نخبگان است. در جوامع سنتی‌تر ایران، تصمیم‌گیری‌ها و تخصیص منابع اغلب تحت تأثیر روابط خویشاوندی و تعصبات قومی قرار دارد تا شایستگی‌های فردی. این پدیده، که در مطالعات اجتماعی به‌عنوان «خاص‌گرایی اجتماعی» (Social Particularism) شناخته می‌شود (Bourdieu, ۱۹۸۱)، مانع از بهره‌گیری از ظرفیت‌های نخبگان محلی شده و آن‌ها را به مهاجرت به مناطقی با نظام شایسته‌سالاری قوی‌تر سوق می‌دهد. چنین الگویی نه تنها فرار مغزها را تشدید می‌کند، بلکه انسجام اجتماعی و اعتماد متقابل در جوامع محلی را تضعیف می‌سازد. بی‌توجهی به نخبگان بومی در شهرهای کوچک و روستاها، یکی از محرک‌های اصلی فرار مغزها است. سیاست‌گذاری متمرکز و فقدان برنامه‌های توسعه محلی که نخبگان را در فرآیند تصمیم‌گیری مشارکت دهد، منجر به هدررفت سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده برای تربیت این افراد می‌شود. به عنوان مثال، یک متخصص بومی که با هزینه‌های قابل‌توجه آموزشی و اجتماعی پرورش یافته، در صورت نبود فرصت‌های شغلی متناسب، ناچار به مهاجرت می‌شود. این روند، که در گزارش‌های سازمان ملل به‌عنوان «هزینه فرصت از دست‌رفته» (UNDP, ۲۰۲۱) توصیف شده، توسعه پایدار مناطق محروم را به تعویق انداخته و شکاف‌های منطقه‌ای را تعمیق می‌کند. از منظر اجتماعی، مهاجرت نخبگان از جوامع کوچک‌تر، تأثیرات عمیقی بر هویت محلی و انسجام فرهنگی دارد.

سوزن جادویی اعظم؛

پارچه‌هایی که قصه می‌گویند

را افزایش می‌دهم و محصولاتم را صادر می‌کنم. وی که با همکاری ۶ هنرمند دیگر و حمایت‌هایی چون وام یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریالی به راهش ادامه می‌دهد، هنوز از کمبود حمایت‌های کافی گلایه دارد.

سوغات ایران در چمدان جهانگردان

در نمایشگاه‌های بین‌المللی، آثار اعظم امانی مانند ستاره‌ای درخشان جلوه می‌کند. وی می‌گوید: تولیدات زنان ایرانی در برابر آثار دیگر کشورها بی‌نظیر است، اما حیف که کمتر دیده می‌شود. ایرانیان خارج از کشور، این رودوزی‌های سنتی را به‌عنوان سوغاتی سبک و زیبا انتخاب می‌کنند و با خود به غرب می‌برند. اعظم با افتخار می‌افزاید: آن‌ها می‌گویند با خرید این آثار، تکه‌ای از ایران را با خود می‌برند. این حرف، انگیزه‌ام را دوچندان می‌کند. وی همچنین با آموزش بانوان حاشیه‌نشین و آوردن آن‌ها به این عرصه، زندگی بسیاری را با هنرش دگرگون کرده است. اعظم امانی، با دستان هنرمندش، نه تنها بخارادوزی و سوزندوزی را احیا کرده، بلکه با هر گره، داستانی از گذشته را زنده نگه داشته است. وی معتقد است که این هنر، فراتر از زمان و مکان، زیبایی و هویت یک سرزمین را به تصویر می‌کشد. در دنیایی که گذر زمان، غبار فراموشی بر این هنر ظریف نشاند، اعظم با پشتکار و خلاقیتش یادآوری می‌کند که هنر، هیچ‌گاه نمی‌میرد؛ بلکه در دستان عاشقان‌ش، دوباره متولد می‌شود و به جهانیان عرضه می‌گردد.



تلفیق هنرها؛ ایران کوچک روی پارچه

داستانی از طبیعت، اسطوره‌ها و تاریخ را روایت می‌کند و به خانه‌های دور و نزدیک، گرمای فرهنگ ایرانی را می‌بخشد. با وجود موفقیت‌هایش، مسیر اعظم بی‌چالش نبوده است. او از قیمت بالای محصولاتش می‌گوید که به دلیل زمان‌بر بودن تولید (مثلاً چهار روز برای یک کوسن با قیمت پایه ۷۵۰ هزار تومان) توان خرید مردم را به چالش می‌کشد. اما با این حال، هیچ‌کدام از آثارش روی دستش نمانده؛ گردشگران خارجی و مسافران، عاشق این تکه‌های هنری ایران‌اند. اعظم رویاهایی بزرگ‌تر در سر دارد: اگر فضای کاری بزرگ‌تری داشته باشم، تولیدم

او با عشقی بی‌پایان، ۲۰ سال است که در این مسیر خاک می‌خورد و می‌درخشد. با برند «گل‌بوته» و حضور فعال در فضای مجازی، اعظم نه تنها هنرش را به جهانیان معرفی کرده، بلکه با به‌روزرسانی طرح‌ها و خلق محصولاتش چون رومیزی، کوسن و لباس، کاربردی بودن این هنر را دوباره به زندگی مردم بازگردانده است. وی می‌گوید: بخارادوزی سخت است، اما عشق من را در این راه نگه داشته. این دوخت محکم اگر خوب نگهداری شود بیش از ۱۰۰ سال عمر می‌کند و من می‌خواهم این میراث را برای نسل‌ها حفظ کنم.

در پس هر گره نخ و هر نقش پارچه «اعظم امانی»، داستانی از عشق، خلاقیت و هویت ایرانی نهفته است. این هنرمند گلستانی با دستان جادویی، بخارادوزی و سوزندوزی را از دل سنت‌ها بیرون کشیده و با رنگ‌ها و طرح‌های تازه، به آن‌ها بال پرواز داده است. به گزارش ایرنا، آثار این هنرمند که گویی تکه‌هایی زنده از فرهنگ ایران‌اند، حالا نه تنها زینت‌بخش خانه‌های ایرانیان شده‌اند، بلکه در دستان گردشگران خارجی، راهی دیارهای دور گشته و روایتگر زیبایی‌های این سرزمین کهن هستند. بخارادوزی، هنری که ریشه‌اش به شهر بخارا و فراوانی پنبه و ابریشم آن بازمی‌گردد، از دوخت‌های قدیمی و ماندگار ایران است. این هنر ظریف، که با پارچه‌هایی چون چلوار، متقال و گاه ابریشم خلق می‌شود، نه تنها در ایران و آسیای میانه، بلکه در موزه‌های بزرگ جهان مانند لوور، ارمیتاژ و بریتیش نیز جایگاهی ویژه دارد. نقش‌های رنگارنگ و طرح‌های بدیع آن، گویی پلی میان فرهنگ‌ها ساخته‌اند؛ پلی که اعظم امانی با نوآوری‌هایش آن را استوارتر کرده است. او با ترکیب بخارادوزی با سوزندوزی بلوچ که به فاخرترین سوزندوزی دنیا شهره است و حتی سایه‌دوزی، آثاری خلق کرده که چشم هر بیننده‌ای را خیره می‌کند.

از کودکی تا گل‌بوته؛ روایت یک عشق ماندگار

اعظم از همان کودکی شیفته سوزن و نخ بود. هرچند مادرش این کار را سخت و آسیب‌رسان به چشمانش می‌دانست، اما



عامل نزاع و تخریب خودرو در بندرگز دستگیر شد



فرمانده انتظامی بندرگز از دستگیری عامل نزاع، درگیری و رعب و وحشت شهروندان در این شهرستان خبر داد. به گزارش مهر، مهدی مهدوی نیا اظهار کرد: در پی اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر نزاع و تخریب خودرو، بلافاصله مأموران به سرعت به محل اعزام شدند. وی افزود: با حضور مأموران در محل، عامل اصلی نزاع و درگیری و قدرت‌نمایی شناسایی شد که بلافاصله طی یک اقدام ضربتی دستگیر و از نامبرده یک عدد سلاح سرد کشف شد. فرمانده انتظامی بندرگز با اشاره به معرفی متهم به مرجع قضائی خاطرنشان کرد: امنیت شهروندان خط قرمز پلیس است و با هرگونه هنجارشکنی و برهم زدن نظم عمومی قاطعانه برخورد می‌شود.



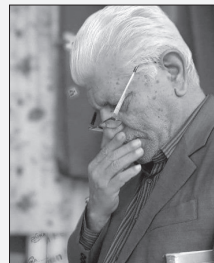
افزایش دما در گلستان از امروز



کارشناس هواشناسی گلستان گفت: بر اساس پیش‌بینی هواشناسی گلستان، با استقرار سامانه کم‌فشار جوی از امروز تا پایان هفته، روند افزایش دما در استان آغاز خواهد شد. مهدیه اصحابی اظهار کرد: صبح روز گذشته کمینه دمای گرگان به ۱۴ درجه سانتی‌گراد رسید. وی افزود: در میان شهرهای استان، کلاله و پارک ملی گلستان با ثبت دمای ۱۲ درجه سانتی‌گراد و درازنو با ۹ درجه، سردترین نقاط استان بودند. همچنین گنبد با ۲۳ درجه سانتی‌گراد به‌عنوان گرم‌ترین نقطه گلستان در روز گذشته ثبت شد. وی ادامه داد: از امروز تا پایان هفته، با استقرار سامانه کم‌فشار جوی نسبتاً پایدار، شرایط جوی در استان بهبود می‌یابد و روند افزایش دما پیش‌بینی می‌شود.



به بهانه هک بانک سپه...



محمود رحیمی

ارقام نجومی و فضایی که امروز با نام خواص توسط هکرها نشر گردید بیانگر خیلی از مسائل درناک؛ غم‌انگیز و تاسف‌بار انقلاب و نظام است. باورهای مردمی که دل به انقلاب و نظام و رهبرشان دارند و داشتند را به کدام سمت و سو می‌برند؟ کشور ثروتمندی که امروز مردمش نان را باید از سطل‌های زباله زورمندان و دهنشان بیابند ... ثروت کشوری که باید ملتش را در فاه و آسایش و آرامش نگه‌دارد و بی‌نیاز از همدیگر کند، درستان اهریمن‌صفتان اسیر است!!! گرسنگی و بلنای برای اینان مفهومی نداشته و ندارد. انقلاب و نظام و رهبری و وضعیت خطرناک کشور هم که امروز نزدیک‌تر از هر زمان به جنگ با دشمنان است، نیز اهمیتی برای‌شان ندارد! آن‌ها نه خود و نه فرزندان‌شان درد دارند و قرار نیست اگر جنگی رخ دهد فرزندان‌شان تفنگ به دست گرفته و به دفاع از مرز و بوم این کشور بپردازند! آن‌ها خود را مالک جان و مال و کشور می‌دانند! آن‌ها کسانی هستند که نه سواد اقتصادی دارند و نه سواد اجتماعی، بلکه دارای دست‌های پنهانی هستند که آلوده به خون مردمانی محروم و مظلوم که برای زندگی روزمره خود دغدغه‌مند می‌باشند. دارایی آن‌ها از چه راهی به‌دست آمده است؟! در سیستم بانکی کشور جابجایی نقدینگی

دارای محدودیت‌هایی می‌باشد که اگر مبلغ جابجایی بیشتر از آن حد باشد باید در قبال ارائه اسناد باشد و گرنه پول‌شویی محسوب می‌شود. پس چگونه این حجم از پول در حساب‌های این اشخاص واریز و برداشت می‌شود؟! پس نظارت و امنیت و شعار پول‌شویی فقط برای افراد عادی در جامعه می‌باشد؟! شواهد نشان می‌دهد که آن‌ها عملاً مدیریت بانک‌ها را هم از آن خود کرده‌اند! امروز بانک سپه را هک کردند و این موارد درناک و غم‌انگیز و دل به هم زن را مردم ایران درک کردند. شاید روز دیگر و بانک‌های دیگر! بانک مرکزی و وزارت اقتصاد و دارایی و شورای پول و اعتبار و مسئولان امنیتی چه پاسخی در خصوص این افراد دارند؟! آیا التهایات بازار و نرخ ارز و طلا رطبی به این نام‌ها ندارد؟! تورم بالای پنجاه درصد موجود در کشور چطور؟! در فرمایشات نوروزی مقام معظم رهبری که اشاره به سرمایه و تولید داشتند با این منابع موجود فقط در یکی از بانک‌های کشور آیا منویات مقام معظم رهبری عملی می‌شود؟! این قدرت پنهان و سلاح نیرومند در دست چه کسانی است؟! آن‌ها خود به تنهایی دولت هستند و در حقیقت زندگی فقیرانه ایرانیان در دست آن‌هاست و دولت واقعی عملاً کارهای نیست.

فعال رسانه‌ای

تالاب‌های گلستان گوهرهای آبی در انتظار بیداری



بالایی برای گردشگری دارند. توسعه اسکله‌های تفریحی، قایق‌سواری و اقامتگاه‌های بوم‌گردی می‌تواند این مناطق را به مقاصد جهانی تبدیل کند. عبدالعلی زاده پیشنهاد داد: نجات خلیج، فرصت‌های شغلی آبی‌پروری و گردشگری را برای جوانان گلستان، مازندران و گیلان تقویت می‌کند اما این توسعه باید پایدار و با مشارکت جوامع محلی باشد تا هم محیط‌زیست حفظ شود و هم اقتصاد محلی رونق گیرد. طهماسبی تأکید کرد: علاج خلیج گرگان نیازمند عزم ملی است و فراتر از توان استان است. وی از تخصیص ۲۳ هزار میلیارد ریال برای مطالعات انتقال آب خزر به خلیج خبر داد و گفت: پمپاژ آب از خزر، تنها راه‌حل فوری است. عبدالعلی‌زاده نیز پیشنهاد هدایت آب رودخانه ولگا به خزر را مطرح کرد و خواستار هماهنگی با کشورهای همسایه شد. کنترل آلودگی با تصفیه‌خانه‌ها، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های گردشگری و مدیریت یکپارچه میان دستگاه‌ها، از دیگر راهکارهای پیشنهادی است. خلیج گرگان و تالاب‌های گلستان، با احیای درست، می‌توانند به نماد توسعه پایدار تبدیل شوند. ورود لایروب جدید، لایروبی دائمی و برنامه‌های توسعه گردشگری، نویدبخش تحولی بزرگ در اقتصاد دریایپایه و نجات اکوسیستم شمال کشور است. طهماسبی هشدار داد: اگر اقدام نشود، مزارع ۱۰ هزار هکتاری میگو از بین می‌رود. اکنون زمان عمل است؛ با عزم ملی و همکاری همه‌جانبه، این گوهرهای آبی می‌توانند هم زیستگاه حیات‌وحش بمانند، هم مقصد گردشگران شوند و هم معیشت مردم را تضمین کنند. گلستان در انتظار بیداری تالاب‌هایش است.

از فاضلاب شهری، پساب‌های صنعتی و کودهای شیمیایی نیز کیفیت آب را به شدت کاهش داده و حیات این اکوسیستم را به خطر انداخته است. لایروبی کانال‌های آشورده و خزینی، راهکاری کلیدی برای احیای خلیج است. عبدالعلی‌زاده از ورود یک دستگاه لایروب جدید توسط سازمان بنادر خبر داد و گفت: این لایروب باید به‌موقع برای نجات خلیج و تأمین آب کانال‌های آبی‌پروری به کار گرفته شود. عملیات لایروبی کانال آشورده در سال ۱۴۰۲ با هزینه ۴۰۰ میلیارد تومان، اثربخشی این روش را نشان داد، اما کافی نبود. طهماسبی تأکید کرد: لایروب باید به‌صورت دائمی در خلیج مستقر شود تا از بازگشت به شرایط بحرانی جلوگیری کند. لایروبی گسترده می‌تواند جریان آب را بازگرداند، از گردوغبار جلوگیری کند و زیستگاه‌ها را احیا نماید.

گردشگری؛ فرصتی طلایی در دل تالاب‌ها

جزیره آشورده با سواحل بکر و تالاب میانکاله با پرندگان کمیاب، پتانسیل

مردم را تهدید خواهد کرد. این پهنه‌های آبی زیستگاه بیش از ۱۰۰ گونه پرنده مهاجر از سیبری و اروپا، مانند فلاه‌مینگوها و انواع ماهیان استخوانی و غضروفی‌اند. تالاب میانکاله ایستگاه کلیدی زمستان‌گذرانی پرندگان و تالاب گمیشان پناهگاهی برای حیات‌وحش است. از نظر اقتصادی، این مناطق از طریق صیادی، آبی‌پروری و گردشگری، زندگی هزاران نفر را تأمین می‌کنند. به گفته مدیرکل شیلات گلستان، اسماعیل جبایی، پایداری تولید میگو در گمیشان به دسترسی به آب وابسته است و خشکسالی این معیشت را در خطر قرار داده است. کاهش تراز آب خزر و بسته شدن کانال‌های ارتباطی، همراه با تغییرات اقلیمی، تبخیر بالا و کاهش بارندگی، خلیج را به زمین خشک تبدیل کرده است. نماینده رئیس‌جمهور در توسعه دریامحور در بازدید چنلی قبل از کانال انتقال آب گمیشان اظهار کرد: پس‌روی آب خزر، دسترسی مزارع پرورش میگو و حیات خلیج را تهدید می‌کند. علی عبدالعلی‌زاده بیان کرد: آلودگی ناشی

خلیج گرگان و تالاب‌های گلستان، از جمله میانکاله و گمیشان، به‌عنوان بخشی از گنجینه‌ای طبیعی و جهانی‌اند که در کنوانسیون رامسر (۱۳۵۴) به ثبت رسیده‌اند و نه تنها زیستگاه گونه‌های متنوع گیاهی و جانوری‌اند، بلکه ستون فقرات معیشت مردم محلی از صیادی و کشاورزی تا گردشگری به شمار می‌روند. به گزارش ایرنا، خلیج گرگان، بزرگ‌ترین خلیج دریای خزر، که توسط شبه‌جزیره میانکاله از دریا جدا شده، همراه با تالاب‌های میانکاله و گمیشان، اکوسیستمی غنی را شکل داده‌اما پس‌روی آب خزر، انسداد کانال‌های ارتباطی مانند آشورده و خزینی، و رسوب‌گذاری گسترده، این پهنه را به مرز فاجعه رسانده است. تا سال ۱۴۰۰، حدود ۱۴ هزار هکتار از خلیج خشک شد و این روند همچنان ادامه دارد. استاندار گلستان هشدار داد: وضعیت خلیج گرگان در حال تبدیل شدن به شرایطی بلتر از دریاچه ارومیه است. علی‌اصغر طهماسبی افزود: خشک شدن خلیج نه تنها حیات آبیان و پرندگان را نابود می‌کند، بلکه با ایجاد گردوغبار، سلامت



ثبت ۱.۸ میلیون بازدید از جاذبه‌های گردشگری



دبیر ستاد اجرایی خدمات سفر گلستان و مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان از ثبت یک میلیون و ۸۲۱ هزار و ۶۵ بازدید از جاذبه‌های گردشگری، تاریخی و فرهنگی گلستان در روز طبیعت (۱۳ فروردین ۱۴۰۴) خبر داد. به گزارش روابط عمومی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی گلستان، فریدون فعالی اعلام کرد: از ۲۳ اسفند ۱۴۰۳ تا پایان سیزده بدر، مجموع بازدیدها از جاذبه‌های استان به ۸ میلیون و ۲۹ هزار و ۳۳۰ مورد رسیده است. فعالی با اشاره به شور و شوق گردشگران در روز طبیعت، افزود: در کنار جاذبه‌های طبیعی، موزه‌ها و اماکن فرهنگی-تاریخی نیز مورد توجه قرار گرفتند و ۲۷ هزار و ۸۹۳ بازدید در این بخش ثبت شد که این آمار نشان‌دهنده تنوع و جذابیت جاذبه‌های گلستان برای مسافران نوروزی است. به گفته مدیرکل میراث فرهنگی گلستان، از ابتدای طرح نوروزی تاکنون ۳۸۷ هزار و ۳۴۲ نفر-شب اقامت در استان ثبت شد که از این تعداد، ۲۰۶ هزار و ۹۲۶ نفر در اقامتگاه‌های رسمی، ۱۷۵ هزار و ۷۵۸ نفر در اقامتگاه‌های غیررسمی و ۴۶۵۸ نفر در اسکان‌های اضطراری اقامت داشتند. وی تأکید کرد: اقامتگاه‌های سنتی و بوم گردی با ۵۳ هزار و ۹۴۲ نفر-شب، محبوب‌ترین گزینه میان مسافران بودند. مدیرکل میراث فرهنگی گلستان با قدردانی از فعالان گردشگری و دستگاه‌های اجرایی، اظهار کرد: با اتمام تعطیلات نوروزی، تحلیل عملکرد و برنامه‌ریزی برای بهبود خدمات آغاز می‌شود تا گلستان همچنان مقصدی جذاب برای گردشگران باقی بماند.

است. از شرق، آرامگاه فردوسی و خیام تا غرب که شهرها و روستاها جمعیتی فراوان به عیدگاه آمدن. از شمال دریای مازندران تا جنوب و خلیج پارس. آرامگاه حافظ، سعدی، پاسارگاد، تخت جمشید و ... هر گوشه‌ای از این خاک زرين و خانه کهن، مردمی دیده می‌شدند که بی‌تکلف، کنارهم به رقص و پایکوبی و شادمانی. و امروز در سیزده‌بدر ۱۴۰۴ خورشیدی، از شهر من تا ۳۰ کیلومتر در میان کوه‌های دهنه زرینگل انسان و ماشین، همه چون شنیده صور اسرافیل، بیرون جهیده از خانه و روانه به دامن طبیعت. بی‌هیچ نزاعی و عجله‌ای، خانواده‌ها در کنار یکدیگر، رستاخیزی عام که نامش نوروز و روز اخراج سیزده بدر روح جمعی ایرانیان گویا بی‌خبر از جنگ و جدالی که هر لحظه ممکن است آتشش دامن‌شان را شعله‌ور کند در پی تغییری که نمودش در رستاخیز روح جمعی ایرانیان هویداست.

فعال مدنی

ملت‌ها علاوه بر اندوخته‌های تمدن مادی، اندوخته تمدنی خاص خود دارند، به نام فرهنگ. فرهنگ را چه مجموعه آداب و رسوم و چه هنجارهای آموختنی بگیریم. با مقوله‌ای معنوی و ذهنی و فکری رویه‌رویم که مانند روح جمعی ملتی در قالب‌های قابل رویت و گاه غیرقابل رویت به منصفه ظهور می‌رسند. روح جمعی اغلب خود را در رفتارهای جمعی به‌طور گسترده و عمیق به نمایش می‌گذارد. ملت ایران که در کهن فلات قاره ایران طی قرون متمادی در فراز و فرود در کنار هم زیسته، در زندگی زیسته خود دست به کار خلق فرهنگی زده که بخش عظیمی از آن جشن‌ها و یا به تعبیر اوستا، گهن‌بار است. از میان جشن‌ها نوروز برجسته‌ترین است با آداب و رسوم خاص خود، از اسفندگان که ماه بازگشت روح مردگان در قالب پرنده‌ای کوچک به نام، ری تا چهارشنبه‌سوری و تحویل سال و سیزده‌بدر. امسال بیش و پیش از هرسال دیگری نوروز در نمایش رفتار جمعی ایرانیان ظهور و بروز یافته



رستاخیز روح جمعی ایرانیان...



محمد کاظم نظری

پادشاهی سرعت در گنبد کاووس؛

اسب‌های برتر کورس بهاره معرفی شدند



مجموعه سوارکاری گنبد کاووس عصر جمعه به میدان نبردی نفس‌گیر تبدیل شد؛ جایی که ۹۳ رأس اسب از نژادهای ترکمن، دوخون و ترورید در هفته نخست کورس بهاره، گرد هم آمدند تا در ۹ دور پرهیجان، قدرت و سرعت خود را به رخ بکشند. به گزارش ایرنا، در دور اول این مسابقات، ۱۲ رأس اسب بیش از چهار سال نژاد ترکمن در دسته مبتدی و نبرده به مسافت هزار متر با هم به رقابت پرداختند که اسب «پوری بویکا» زودتر از دیگر اسب‌ها از خط پایان عبور کرد و اول شد و اسب‌های «آی روزان» و «آلار ابیورد» به ترتیب رتبه دوم و سوم را کسب کردند. رقابت در دور دوم ویژه اسب‌های بیش از سه سال نژاد ترکمن در دسته چهار بود که با شرکت ۱۱ رأس اسب به مسافت هزار متر برگزار شد و در پایان اسب «یل امید» اول شد و اسب‌های «اسطوره الهامی» و «آتلان بقایی» به ترتیب دوم و سوم شدند. در دور سوم که ویژه اسب‌های بیش از سه سال نژاد ترورید در دسته ۶ بود، ۱۲ رأس اسب به مسافت هزار متر با هم به رقابت پرداختند که اسب «شاهکار» با پیشی گرفتن از دیگر رقبا اول شد و اسب‌های «سیتی لای» و «جم بابا» به ترتیب مقام دوم و سوم را کسب کردند. رقابت در دور چهارم روز دوم هفته نخست مسابقات اسبدوانی کورس بهاره گنبد کاووس ویژه اسب‌های بیش از سه سال نژاد دوخون در دسته چهار بود که با شرکت هفت رأس اسب به مسافت هزار متر برگزار شد و در پایان اسب «وستا» سریع‌تر از خط پایان گذشت و اسب‌های «تیمسار» و «طوفان آسایش» به ترتیب دوم و سوم شدند. در دور پنجم این مسابقات که ویژه اسب‌های بیش از سه سال

شد و اسب‌های «تندر بندر» و «آلین» به ترتیب مقام دوم و سوم را کسب کردند. برگزار کنندگان روز دوم هفته نخست مسابقات اسبدوانی بهاره گنبد کاووس در پایان ۲۲ میلیارد و ۸۵۵ میلیون ریال جایزه نقدی به مالکان، مربیان و چابک‌سواران اسب‌های برتر اول تا ششم پرداخت کردند. این رویدادها با استقبال گسترده مردم گلستان، به ویژه ترکمن‌ها، همراه است و در کنار گنبد کاووس، در آق‌قلا و بندر ترکمن نیز بیش از یک دهه است که برگزار می‌شود. عشق به اسب و سوارکاری، بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت این منطقه است که هر سال با شور و هیجان بیشتری زنده نگه داشته می‌شود.

«ولیو آی تی سی» با پیشی گرفتن از دیگر رقبا اول شد و اسب‌های «شارژ امید» و «ماه‌ور» به ترتیب مقام دوم و سوم را کسب کردند. رقابت در دور هشتم روز دوم و پایانی هفته نخست مسابقات سوارکاری کورس بهاره گنبد کاووس که ویژه اسب‌های بیش از سه سال نژاد دوخون در دسته پنج بود و با شرکت ۱۰ رأس اسب به مسافت هزار متر برگزار شد در پایان اسب «سلیشکا» اول شد و اسب‌های «سلما جان» و «رگبار» به ترتیب دوم و سوم شدند. همچنین در دور نهم و آخر این مسابقات که ویژه اسب‌های بیش از سه سال نژاد دوخون در دسته ۶ بود ۱۲ رأس اسب به مسافت هزار و ۶۰۰ متر با هم به رقابت پرداختند که در پایان اسب «جانانان» اول

نژاد دوخون در دسته هفت بود، ۱۲ رأس اسب به مسافت هزار متر با هم به رقابت پرداختند که در پایان اسب «کلاریس» اول شد و اسب‌های «شاتیل» و «پابلو» به ترتیب مقام دوم و سوم را کسب کردند. رقابت ویژه اسب‌های بیش از سه سال نژاد دوخون در دسته ۲ بود که با شرکت ۱۰ رأس اسب به مسافت هزار متر برگزار شد و در پایان اسب «رگنوم استروم» اول شد و اسب‌های «آلفا دلفینی» و «کلیور» به ترتیب دوم و سوم شدند. در دور هفتم که ویژه اسب‌های سه ساله نژاد ترورید در دسته مبتدی و نبرده بود، هفت رأس اسب به مسافت هزار متر با هم به رقابت پرداختند که در نهایت اسب

گلشن مهر

۰۱۷۳۲۲۴۴۳۰۲

۰۱۷۳۲۲۴۱۱۹۵



تشیع و مسئله ایران



داود فیرحی

جامعه ما هم دیندار است و هم ملی، ولی آشتی اینها به دو دلیل آسان نیست: اولاً در ادبیات دینی تفسیری ارائه شده است که تعلقات ملی را نفی میکند و ثانیاً در ادبیات ایرانی گری هم جریانی از مشروطه به بعد پیدا شده است که نسبت به دین موضع چندان همدلی نداشته است. منهای جریان چپ که خارج از تحلیل ماست، از مشروطه به این سو جامعه ما حول مذهب و ناسیونالیسم نوسان داشته است. هر از گاهی یکی به منبر می رود و دیگری به پستو و گفتگو را متوقف می کنند اما تنش جایی است که این دو در نقطه تلاقی قرار دارند. اکنون در این شرایط هستیم. ناسیونالیسم بر دو نوع تبارگرا و مبتنی بر قرارداد است. ناسیونالیسم تبارگرا حاوی نوعی جوهرگرایی، رمانتیسم، باستانگرایی و تا حدی نژادپرستی است اما ناسیونالیسم مدنی مبتنی بر قرارداد حول قانون اساسی است، تصمیمی عقلایی است و معمولاً هم دموکراتیک است. در ایران از ابتدا علی رغم اینکه نظریه ناسیونالیسم به اقتضای قانون اساسی مشروطه شکل گرفت، اما

به تبارگرایی شیفت پیدا کرد و خشونتهای آن هم ظاهر شد. ناسیونالیسم تبارگرا در سیاست خارجی باعث شارژ تبارگرایی های بدیل مانند پان اسلامیسیم، پان عربیسیم و پان ترکیسیم میشود و برای وحدت اسلامی مشکل زا است. در داخل هم با مذهب، قومیتها و دولت ملی مدرن دموکراتیک چالش ایجاد میکند. گفتمان رایج ناسیونالیسم در ایران، تبارگرا است و حتی جریان مذهبی هم هر وقت درباره ناسیونالیسم فکر کرده است، پیش فرض گرفتند که ناسیونالیسم مساوی تبارگرایی است و امکان بدیل آن را در نظر نگرفتند. مرحوم مطهری هم «خدمات متقابل ایران و اسلام» را روی این تعریف سوار میکند و اصرار دارد که اینها دو ایدئولوژی متفاوت برای اداره جامعه هستند و سرانجام بحث را به نفع اسلام سوق داده است. رواج تعریف تبارگرا از ناسیونالیسم و تضاد قهری آن با مذهب، چرخه باطل هویت را ایجاد کرده است. بحران، ناشی از بزرگ بودن ناسیونالیسم فرهنگی و کوچک بودن ناسیونالیسم سیاسی است. ملیت ایرانی، همین ایرانی است که در

این گریه قرار دارد و خارج از آن، رمانتیک و تهاجمی است و ناهم مکانی و ناهم زمانی می آورد. یعنی کسانی را ایرانی می دانیم که ایرانی نیستند و کسانی را ایرانی نمی دانیم که ایرانی هستند. ملیت سیاسی باید همان ملیتی باشد که ملیت فرهنگی ماست. فقه مشروطه و ادبیات مرحوم نایینی و آخوند خراسانی، خلوص دارد و ناسیونالیسم را تبار نمیداند بلکه دنبال این بودند که ملتی یک قرارداد مینند و امور مشترک خود را به اشتراک و مبتنی بر قانون اساسی که هنجارهایش به مرور زمان یک علقه ملی تولید میکند، اداره کند. این نگاه با مذهب هم در تضاد نیست و مسلمانان درون امت می توانند دولتهای جدا از هم تشکیل دهند. فقه مشروطه ایده ناسیونالیسم قراردادی را پشتیبانی میکند. در فقه مشروطه ملت کسانی اند که مشترکات نوعی دارند و دور هم جمع شده اند تا این نیازها را اداره کنند. ادبیات مشروطه تمام همتش حل مسئله دولت ملی ایران است و مذهب هم در کلیت خود در پی ناسیونالیسم دموکراتیک است.

برندسازی شهری نقطه عطف توسعه شهرهای گلستان



شهر آق قلا، جشنواره «مرکبات(پرتقال)» در شهر بندرگز، جشنواره «قطب صنعت تانکرکشور» در شهر نکین شهر، جشنواره «کندس او» در شهر فاضل آباد و جشنواره «موسیقی کتول» در شهر علی آبادکتول عنوان کرد. مدیرکل شهری و شوراهای استانداری گلستان ادامه داد: برگزاری جشنواره های فرهنگی، هنری و اقتصادی در معرفی مزیت های هر شهر علاوه بر معرفی آن شهر به رشد و توسعه گردشگری، استقرار صنایع تبدیلی و رونق اقتصادی و اشتغال آنها کمک زیادی می کند و در سال ۱۴۰۴ سعی خواهد شد که ضمن برگزاری جشنواره های یادشده سایر شهرهای استان نیز برند خود را انتخاب و در راستای معرفی آن نسبت به برگزاری جشنواره اقدام کنند.

اعتقاد داریم، اگر برندسازی اتفاق بیفتد بخش های مختلف صنعتی، کشاورزی، اقتصادی و غیره نیز از آن منتفع خواهند شد. وی گفت: در سال ۱۴۰۳ در راستای برندسازی شهری ۱۳ جشنواره در استان برگزار شد که در شناساندن شهرها در استان و کشور نقش بسزایی داشته است. حسینی جشنواره های شهری انجام شده در سال ۱۴۰۳ را جشنواره «زیبایی شتر» در شهر انبارالوم، جشنواره «توت فرنگی» در شهر دلدن، جشنواره «الوجه(هلی)» در شهر نوکنده، جشنواره «آفتابگردان» در شهر گلیداغ، جشنواره «روز کردکوی»، جشنواره «کشتی گورش، آلچیق و قازان» در شهر سیمین شهر، جشنواره «زیتون» در شهر کرند، جشنواره «پل تاریخی و فرش و زیورآلات ترکمن» در

مدیرکل دفتر امور شهری و شوراهای استانداری گلستان گفت: ۱۳ جشنواره در سال ۱۴۰۳ در راستای برندسازی شهری به همت شهرداری های استان برگزار شد. محمد حسینی یکی از کارهای نو در حوزه شهرداری های استان گلستان را برندسازی شهری دانست و اظهار کرد: برندسازی شهری نقطه عطف توسعه شهرهای گلستان است و هر شهری باید یک نماد مخصوص به خود را داشته باشد. وی بیان کرد: برخی شهرهای استان در زمینه های فرهنگی، کشاورزی، تاریخی و حتی صنعتی دارای ویژگی خاص هستند که شهرداری ها باید برای معرفی آنها برنامه ریزی می کنند. مدیرکل دفتر امور شهری و شوراهای استانداری گلستان بیان کرد:



خبر

رشد ۳۱ درصدی اعزام و پذیرش مسافر نوروزی در فرودگاه گرگان

مدیرکل فرودگاه های گلستان از رشد ۳۱ درصدی اعزام و پذیرش مسافر در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته در فرودگاه گرگان خبر داد. به گزارش روابط عمومی، علی متانت اظهار کرد: در بازه زمانی ۲۳ اسفند ۱۴۰۳ تا ۱۳ فروردین ۱۴۰۴ بیش از ۱۱ هزار مسافر از فرودگاه گرگان اعزام و پذیرش شده اند. وی بیان کرد: در این مدت تعداد ۱۳۸ نشست و برخاست پرواز در این فرودگاه انجام شده است. مدیرکل فرودگاه های گلستان در خصوص پروازهای داخلی فرودگاه گرگان تصریح کرد: شهرهای چابهار، تهران، مشهد، عسلویه، کیش و زاهدان پرواز مقصد پروازهای داخلی فرودگاه گرگان است. این مقام مسئول ادامه داد: با توجه به درخواست و استقبال مسافران پرواز مسافران از فرودگاه گرگان به کشورهای عربستان، قزاقستان و ترکیه نیز به طور مرتب انجام می شود.



آگهی مناقصه عمومی انتخاب پیمانکار جهت بازاریابی، توزیع و فروش نمایندگی آزادشهر و رامیان، خان بین و دلند



شرکت پخش سراسری بازار گستر پگاه در نظر دارد

عملیات مشروحه ذیل را از طریق مناقصه عمومی به اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط واگذار نماید. "انجام عملیات بازاریابی، توزیع و فروش انواع محصولات جهت مشتریان مویرگی و مراکز خاص در سطح شهرستان های آزادشهر و رامیان، خان بین و دلند بر اساس شرایط جزئی به شرح برگ شرایط مناقصه". لذا متقاضیان می توانند جهت دریافت اسناد شرکت در مناقصه در ساعات اداری (۸ تا ۱۷) به همراه اصل معرفی نامه و تصویر کارت ملی به آدرس: تهران، بزرگراه ستاری جنوب، بلوار ناصر حجازی (فردوس غرب)، خیابان ورزی شمالی، خیابان ستوده شرقی، شماره (۹) طبقه دوم واحد امور قراردادهای و یا به آدرس: گرگان- میدان بسیج- به سمت هزارپیچ- شرکت شیرپاستوریزه پگاه گلستان- شرکت پخش سراسری بازار گستر پگاه- واحد اداری مراجعه نمایند. آخرین مهلت تحویل اسناد تکمیل شده به مدیر محترم حراست شرکت به آدرس تهران، بزرگراه ستاری جنوب، بلوار ناصر حجازی (فردوس غرب)، خیابان ورزی شمالی، خیابان ستوده شرقی، شماره (۹) پایان وقت اداری ۱۴۰۴/۰۱/۳۱ می باشد. همچنین جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن: ۰۹۱۱۹۳۷۲۵۱ تماس حاصل نمایید.

شرکت پخش سراسری بازار گستر پگاه



آگهی مناقصه عمومی انتخاب پیمانکار جهت حمل عمده فروشی شعبه گلستان شهرستان گرگان و حومه



شرکت پخش سراسری بازار گستر پگاه در نظر دارد

عملیات مشروحه ذیل را از طریق مناقصه عمومی به اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط واگذار نماید. "انجام عملیات حمل و فروش، انواع محصولات جهت مشتریان مویرگی و مراکز خاص در سطح شهرستان گرگان و حومه بر اساس شرایط جزئی به شرح برگ شرایط مناقصه". لذا متقاضیان می توانند جهت دریافت اسناد شرکت در مناقصه در ساعات اداری (۸ تا ۱۷) به همراه اصل معرفی نامه و تصویر کارت ملی به آدرس: تهران، بزرگراه ستاری جنوب، بلوار ناصر حجازی (فردوس غرب)، خیابان ورزی شمالی، خیابان ستوده شرقی، شماره (۹) طبقه دوم واحد امور قراردادهای و یا به آدرس: گرگان- میدان بسیج- به سمت هزارپیچ- شرکت شیرپاستوریزه پگاه گلستان- شرکت پخش سراسری بازار گستر پگاه- واحد اداری مراجعه نمایند. آخرین مهلت تحویل اسناد تکمیل شده به مدیر محترم حراست شرکت به آدرس تهران، بزرگراه ستاری جنوب، بلوار ناصر حجازی (فردوس غرب)، خیابان ورزی شمالی، خیابان ستوده شرقی، شماره (۹) پایان وقت اداری ۱۴۰۴/۰۱/۳۱ می باشد. همچنین جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن: ۰۹۱۱۹۳۷۲۵۱ تماس حاصل نمایید.

شرکت پخش سراسری بازار گستر پگاه

نیروگاه سیکل ترکیبی علی آباد کتول؛

معادله‌ای برای پیشرفت و قدرت

اعلام آمادگی کرده و با استفاده از این ظرفیت، مشکل تولید برق در آینده نزدیک به‌طور کامل حل خواهد شد.

چالش‌ها و افق‌های پیش‌رو

با وجود موفقیت‌ها، هزینه‌های نگهداری و وابستگی به گاز طبیعی از چالش‌های پیش‌روی نیروگاه است. کارشناسان پیشنهاد می‌کنند که تلفیق این نیروگاه با منابع تجدیدپذیر، مانند انرژی خورشیدی، می‌تواند پایداری بیشتری ایجاد کند. در افق پیش‌رو، توسعه فاز دوم و افزایش ظرفیت تولید، گلستان را به یک هاب انرژی در شمال ایران تبدیل خواهد کرد. حتی صادرات برق به کشورهای همسایه مانند ترکمنستان، می‌تواند درآمد ارزی قابل‌توجهی به همراه داشته باشد.

گلستان در آستانه تابستان گرم؛ نیاز به

سرمایه‌گذاری و توجه بیشتر

نیروگاه سیکل ترکیبی علی‌آباد کتول، با مدیریت قوی، پرسنل پرتلاش و برنامه‌های توسعه‌ای مانند فاز دوم، ستون فقرات انرژی گلستان است. این نیروگاه با تأمین برق پایدار، کاهش ناترازی‌ها و تقویت اقتصاد، نشان داده که می‌تواند پاسخگوی نیازهای امروز باشد اما تابستان پیش‌رو، با گرمای طاقت‌فرسا و افزایش تقاضای برق، آزمونی بزرگ برای این زیرساخت خواهد بود. گلستان، با توجه به شرایط اقلیمی اش، بیش از هر زمان دیگری به سرمایه‌گذاری کلان در بخش انرژی نیاز دارد؛ از تسریع در بهره‌برداری مرحله دوم گرفته تا گسترش نیروگاه‌های تجدیدپذیر با مشارکت بخش خصوصی. اگر این فرصت طلایی از دست برود، ناترازی برق می‌تواند بار دیگر سایه سنگین خود را بر زندگی مردم، صنایع و گردشگری این استان بیفکند. زمان آن است که با نگاهی بلندپروازانه، منابع مالی و انسانی بیشتری به این حوزه تزریق شود تا گلستان نه‌تنها از بحران تابستان عبور کند، بلکه به الگویی برای توسعه پایدار در ایران تبدیل شود. به قول استاندار گلستان، مردم در دهه پنجم انقلاب شایسته ناترازی نیستند؛ و این حق، تنها با توجه و سرمایه‌گذاری بیشتر محقق خواهد شد.



رونق بازارهای محلی کمک کرده است. طهماسبی معتقد است که مرحله دوم نیروگاه، با تقویت زیرساخت‌ها، بستر را برای رشد صنایع و گردشگری فراهم خواهد کرد؛ دو حوزه‌ای که می‌توانند اقتصاد گلستان را به سطحی جدید ارتقا دهند. دسترسی مداوم به برق، زندگی روزمره مردم گلستان را متحول کرده است. از روشنایی خانه‌ها و مدارس گرفته تا عملکرد بی‌وقفه بیمارستان‌ها، نیروگاه علی‌آباد نقشی کلیدی در ارتقای رفاه ایفا می‌کند. در تابستان‌های گرم که سیستم‌های سرمایشی به یک ضرورت تبدیل می‌شوند، این نیروگاه پایداری را به ارمغان آورده و رضایت عمومی را افزایش داده است.

حرکت به سوی انرژی‌های تجدیدپذیر

نیروگاه سیکل ترکیبی علی‌آباد، با راندمان بالا و مصرف بهینه سوخت، آلودگی کمتری نسبت به نیروگاه‌های سنتی تولید می‌کند و به حفظ طبیعت گلستان کمک کرده است. اما این تنها آغاز راه است. موسوی اعلام کرد: بخش خصوصی برای ساخت نیروگاه‌های تجدیدپذیر در گلستان

۴۸۰ مگاوات، قرار است ظرف سه سال آینده به بهره‌برداری برسد و ۵۰۰ مگاوات به تولید برق استان اضافه کند. طهماسبی تأکید دارد: این افزایش ظرفیت، نه‌تنها نیازهای خانگی را تأمین می‌کند، بلکه به صنایع و گردشگری گلستان نیز جانی تازه می‌بخشد. از سوی دیگر سیداحمد موسوی مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق گلستان با اشاره به حمایت استاندار، نوید داد که این پروژه در ۲ سال آینده وارد مدار خواهد شد؛ وعده‌ای که می‌تواند تحول بزرگی در زیرساخت‌های انرژی منطقه ایجاد کند.

تأثیرات اقتصادی؛ از تولید محلی تا جذب

سرمایه‌گذاری

برق پایدار و ارزان نیروگاه علی‌آباد، هزینه‌های تولید را برای صنایع کاهش داده و توان رقابتی آن‌ها را بالا برده است. کارخانجات فراوری که ستون صادرات گلستان هستند، حالا می‌توانند با تکیه بر این زیرساخت، تولید خود را گسترش دهند. احداث نیروگاه همچنین صدها فرصت شغلی ایجاد کرده و با کاهش نرخ بیکاری، به

استان گلستان با جمعیتی بیش از ۱۸ میلیون نفر و اقتصادی بر پایه کشاورزی، صنعت و تجارت، گام‌های بلندی به سوی توسعه پایدار برداشته اما سال‌هاست با چالش تأمین برق پایدار دست‌وپنجه نرم می‌کند که نیروگاه سیکل ترکیبی علی‌آبادکتول با ظرفیت تولید ۱۰۱۶ مگاوات و برنامه‌های توسعه می‌تواند علاوه بر این برآوردن نیاز فعلی، به محرکی برای چرخش چرخ‌های اقتصادی منطقه تبدیل شود. به گزارش ایرنا، این نیروگاه که از ترکیب توربین‌های گازی و بخاری استفاده می‌کند، توانسته است با بهره‌وری بالاتر و مصرف سوخت کمتر نسبت به نیروگاه‌های سنتی، گام مهمی در جهت بهینه‌سازی تولید انرژی بردارد. اوج مصرف برق در گلستان، به‌ویژه در تابستان‌های گرم و شرجی که دما به بالای ۴۰ درجه می‌رسد، از چهار هزار مگاوات فراتر می‌رود. ناپایداری شبکه برق در گذشته، نه‌تنها زندگی روزمره مردم را مختل کرده، بلکه صنایع و بخش گردشگری را با موانع جدی مواجه ساخته است. نیروگاه سیکل ترکیبی علی‌آباد کتول، با راندمان نزدیک به ۵۰ درصد، پاسخی هوشمندانه به این نیاز بوده و حالا با توسعه فاز دوم، قرار است این ناترازی را برای همیشه رفع کند. نیروگاه علی‌آباد کتول از چهار واحد گازی ۷۹۲.۲ با ظرفیت ۱۶۲.۵ مگاوات هر کدام و ۲ واحد گازی MAP2B با ظرفیت ۱۸۳ مگاوات تشکیل شده است. این نیروگاه که مرحله اول آن در سال ۱۳۸۹ به بهره‌برداری رسید، با استفاده از سیستم سیکل ترکیبی، حرارت تلف‌شده توربین‌های گازی را به بخار تبدیل کرده و از آن برای تولید برق اضافی بهره می‌برد. علی‌اصغر طهماسبی استاندار گلستان عملکرد این نیروگاه را «بسیار خوب» توصیف کرده و موفقیت آن را نتیجه مدیریت قوی و تلاش بی‌وقفه پرسنلش می‌داند. این نیروگاه نه‌تنها به شبکه سراسری متصل است، بلکه پایداری برق شمال ایران را تضمین کرده و از قطعی‌های خسارت‌بار جلوگیری می‌کند. استاندار گلستان از فاز دوم نیروگاه سیکل ترکیبی علی‌آباد کتول به‌عنوان «طرحی مهم» یاد کرده که می‌تواند ناترازی برق استان را، به‌ویژه در تابستان‌های پرمصرف، برطرف کند. این فاز با ظرفیت

تاکید استاندار بر توسعه صنعتی گلستان



منابع آبی پایدار و اجرای پروژه‌های جدید آب‌رسانی باید در اولویت قرار گیرد. استاندار گلستان در پایان این سفر کاری، با اشاره به اهمیت توسعه زیرساخت‌های صنعتی، مرزی و رفاهی در استان، گفت: رشد اقتصادی گلستان وابسته به برنامه‌ریزی دقیق، سرمایه‌گذاری هوشمندانه و استفاده از ظرفیت‌های موجود است. طهماسبی افزود: ما باید با همکاری بین دولت، بخش خصوصی و مردم، گام‌های موثری برای ایجاد اشتغال، افزایش تولید و بهبود وضعیت زندگی مردم برداریم. وی تأکید کرد که تمامی مسائل و مشکلات مطرح‌شده در این بازدیدها به صورت جلی در دستور کار استانداری قرار خواهد گرفت و راهکارهای عملی برای حل آن‌ها ارائه خواهد شد.

کرد. وی گفت: مرز اینچ‌برون از ظرفیت بالایی برای گسترش تجارت با کشورهای همسایه برخوردار است و باید با توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل و گمرکی، مسیر صادرات کالاهای ایرانی هموارتر شود. وی گفت: این پایانه می‌تواند نقش مهمی در بهبود حمل‌ونقل ترانزیتی و افزایش درآمدهای استان داشته باشد. تسریع در تکمیل آن یک ضرورت است و نباید با مشکلات اداری و کمبود منابع مالی به تأخیر بیفتد. طهماسبی سپس با حضور در بازارچه مرزی اینچ‌برون، با کسبه و مردم منطقه گفتگو کرد. وی با اشاره به اهمیت بازارچه‌های مرزی در توسعه اقتصادی استان گفت: رونق این بازارچه‌ها می‌تواند به ایجاد اشتغال و افزایش درآمد مرزنشینان کمک کند. باید تلاش کنیم با حمایت‌های دولتی، مسیر صادرات و واردات کالاها تسهیل شود. کسبه بازارچه نیز در این دیدار، مشکلات مربوط به محدودیت‌های گمرکی، نبود امکانات مناسب و کمبود مشتریان به دلیل کاهش مبادلات تجاری را مطرح کردند. در ادامه این سفر، استاندار گلستان از مخزن ۵۰۰ مترمکعبی آب آشامیدنی نقطه مرزی اینچ‌برون بازدید کرد و ضمن بررسی وضعیت این مخزن، بر لزوم مدیریت تنش آبی و حل مشکلات تأمین آب شرب این منطقه تأکید کرد. وی گفت: دسترسی پایدار به آب آشامیدنی برای مردم این منطقه ضروری است. تأمین

اولیه، نیاز به حمایت مالی، مسائل زیست‌محیطی و دشواری‌های بازار فروش را مطرح کردند. استاندار گلستان ضمن تأکید بر پیگیری مشکلات این کارخانه گفت: دولت تلاش خواهد کرد با تسهیل فرآیندهای اداری، حمایت‌های مالی و هماهنگی با بخش خصوصی، موانع تولید را برطرف کند. طهماسبی افزود: یکی از راهکارهای موثر، گسترش همکاری با شرکت‌های بین‌المللی برای صادرات محصولات و تأمین مواد اولیه مورد نیاز است. استاندار گلستان همچنین با حضور در پاسگاه مرزی شهید حاج قاسم سلیمانی در اینچ‌برون، ضمن ادای احترام به مقام والای سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، با فرمانده و نیروهای مرزبانی مستقر در این پاسگاه دیدار و گفتگو کرد. وی در این بازدید گفت: تأمین امنیت مرزها، یکی از مهم‌ترین اولویت‌های استان گلستان است. طهماسبی اضافه کرد: نیروهای مرزبانی با تلاش شبانه‌روزی خود نقش کلیدی در حفظ امنیت و جلوگیری از قاچاق و ورود غیرمجاز ایفا می‌کنند. استاندار گلستان بر لزوم تقویت زیرساخت‌های مرزی و تجهیز پاسگاه‌های مرزبانی تأکید کرد و گفت: بهبود شرایط مرزبانی می‌تواند تأثیر مستقیمی بر امنیت منطقه و توسعه مبادلات تجاری داشته باشد. استاندار گلستان همچنین با حضور در نقطه صفر مرزی ایران و ترکمنستان، وضعیت تبادلات مرزی را از نزدیک بررسی

استاندار گلستان، با تأکید بر لزوم توسعه زیرساخت‌های صنعتی و رفاهی گفت: شهرک صنعتی هزار هکتاری اترک یکی از بزرگ‌ترین شهرک‌های کشور است و ظرفیت‌های فراوانی برای توسعه دارد. به گزارش روابط عمومی، علی‌اصغر طهماسبی در بازدید از کارخانه پُذ آق‌قلا با تأکید بر لزوم توسعه زیرساخت‌های صنعتی و رفاهی در این منطقه اظهار کرد: ایجاد زیرساخت‌های مناسب برای سکونت کارگران و کارکنان در کنار واحدهای تولیدی، اقدامی ضروری است که می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی بر بهبود شرایط زندگی و افزایش بهره‌وری نیروی کار داشته باشد. وی افزود: ایجاد برج‌های مسکونی، مراکز درمانی و بهداشتی، زمین‌های ورزشی، مساجد، مراکز تفریحی و فروشگاه‌های بزرگ می‌تواند علاوه بر بهبود کیفیت زندگی کارگران، از افزایش ترافیک در شهرهای اطراف جلوگیری کند. استاندار گلستان همچنین به ظرفیت بالای تولید کارخانه پُذ آق‌قلا اشاره کرد و گفت: در صورت رفع موانع موجود، این کارخانه می‌تواند سالانه ۲ هزار و ۴۰۰ تن پُذ تولید کند و زمینه اشتغال هزار و ۶۰۰ نفر را فراهم سازد. طهماسبی تأکید کرد: این موضوع علاوه بر اشتغال‌زایی، سهم استان را در بازارهای داخلی و بین‌المللی افزایش خواهد داد. مدیران و کارشناسان کارخانه پُذ آق‌قلا هم در این بازدید، مشکلات موجود از جمله تأمین مواد